



استان قم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ طَاعَةَ الْخَاشِعِينَ

خدایا در در این ماه طاعت فروتنان را نصیبم کن

وَاشْرَحْ فِيهِ صَدْرِي

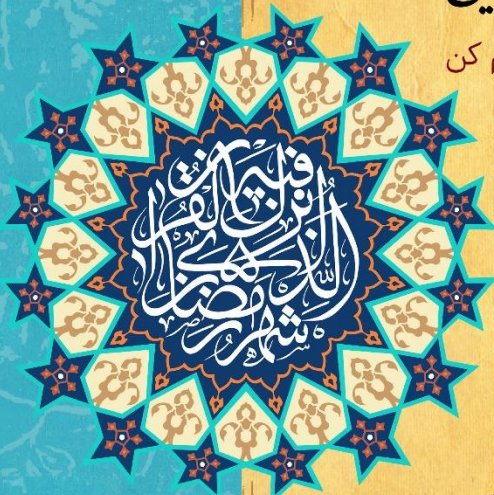
و سینه‌ام را برای توبه‌ای همانند

بِإِنَابَةِ الْمُحِبِّتَيْنِ

توبه خاضعان گشوده گردان

بِأَمَانِكَ يَا أَمَانَ الْخَائِفِينَ.

به امان دادنت ای امان بخش هراسندگان.



دعای روز پانزدهم ماه رمضان



درس ۱۵: هجرت

هجرت برای دین شناسی

وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرْنَا مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ (توبه، ۱۲۲)

سزاوار نیست که همه مومنان (به جهاد) رهسپار شوند، پس چرا از هر گروهی از ایشان دسته ای کوچ نمی کنند تا در دین فقیه شوند و هنگامی که به سوی قوم خویش بازگشتند، آنان را بیم دهند تا شاید آنان (از گناه و طغیان) حذر کنند.

تفقه در دین، به معنای تلاش برای کسب شناخت عمیق در دین و عقاید و احکام اسلامی است. تفقه در دین، گاهی ممکن است برای دنیا و مقام عشق به درس و بحث و سرگرمی و عقب نماندن از دوستان باشد و گاهی برای دین، خدا، بهشت و نجات امت باشد. آیه دومی را ارزشمند می داند که بیم دهی مردم و دعوت آنان به خداست. «لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ».

چنانکه حضرت امیر به فرزندش سفارش می کند: «تَفَقَّهُ فِي الدِّينِ فَإِنَّ الْفُقَاءَ وَرِثَةُ الْأَنْبِيَاءِ». امام حسین نیز شب عاشورا در جملاتی خداوند را چنین ستود: حمد خدایی که ما را فقیه در دین قرار داد.

از امام صادق پرسیدند: اگر برای امام حادثه ای اتفاق افتاد، تکلیف مردئم چیست؟ امام این آیه را تلاوت فرمود که از هر شهر و طایفه ای برای شناخت امام حرکت کنند.

باید از هر منطقه، افرادی برای شناخت اسلام به مراکز علمی بروند و به منطقه خود برگردند تا در همه مناطق، روحانی دینی به مقدار لازم حضور داشته باشد. آری، هجرت ملازم ایمان است. یا برای دفاع از دین، هجرت کنید، یا برای شناخت دین. بنابراین، تفقه در دین و آنگاه آموزش دین به مردم بخصوص وطن و زادگاه انسان، واجب کفائی است. پس برای طلاب حوزه ها، دو هجرت لازم است: یکی به سوی حوزه ها و دیگری از حوزه ها به سوی شهرها. لذا ماندن در حوزه ها جز برای اساتید جایز نیست.

البته فقه، تنها فراگیری احکام دین نیست، بلکه همه معارف دینی قابل تحقیق، دقت و ژرف نگری است. «لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ».

فقه در دین، آنگاه ارزش دارد که فقیه، عالم به زمان و آگاه از شیطنت ها و راههای نفوذ دشمن باشد تا بتواند هشدار و بیم دهد. پس به سخنان یک اسلام شناس فقیه، می توان اعتماد کرد. «لِيَتَفَقَّهُوا ... لِيُنذِرُوا» (ممکن است یک نفر در منطقه باشد، پس خبر واحد ارجحیت دارد)

علما باید سراغ مردم بروند و منتظر دعوت آنان نباشند. «رَجَعُوا إِلَيْهِمْ» و نباید انتظار اطاعت مطلق همه مردم را داشته باشند، چون گروهی هرگز به راه و دین خدا نمی آیند. «لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ»



إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَا وَ نَصَرُوا أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّى يُهَاجِرُوا... (انفال، ۲۲)

همانا کسانی که ایمان آورده و هجرت کردند و با اموال و جانهایشان در راه خدا جهاد کردند، و آنان که (مهاجران و مجاهدان) را پناه داده و یاری کردند، آنان دوستدار و حامی و هم پیمان یکدیگر شدند، اما کسانی که ایمان آورده، ولی هجرت نکردند، حق هیچ گونه دوستی و حمایت از آنان را ندارید، تا آنکه هجرت کنند.

در سال سیزدهم بعثت و پس از گذشت ده سال از دعوت علنی پیامبر به اسلام، هنوز مشرکان مکه دست از آزار و اذیت پیامبر و مسلمانان برنداشته بودند، و روز به روز بر شدت آن می افزودند تا اینکه تصمیم گرفتند با توطئه ای حساب شده و اقدامی دسته جمعی، پیامبر را به قتل برسانند و اسلام را ریشه کن نمایند.

با اطلاع پیامبر از آن توطئه و جانفشانی حضرت علی، شبانه مقدمات هجرت فراهم شد و آن حضرت در اول ماه ربیع الاول ابتدا به غار ثور رفتند و به مدت سی روز در آنجا به گونه ای معجزه آسا مخفی شدند و در این مدت تنها حضرت علی برای آن حضرت غذا تهیه کرده و اخبار بیرون را در اختیار آن جناب قرار می دادند. سرانجام پیامبر با توصیه به حضرت علی مبنی بر اعلان مهاجرت مسلمانان به یثرب و همراه آوردن اهل بیت آن حضرت، خود راهی یثرب شدند، و پس از طی مسافتی حدود چهارصد کیلومتر، روز دوازدهم ربیع الاول به محله قبا رسیدند و بقیه مهاجرین نیز به آنان ملحق شدند.



مردم یثرب، از مهاجران استقبال شایانی به عمل آوردند و آنها را با آغوش باز پذیرفتند و «یثرب» را به «مدینه النبی» و «مدینه الرسول»، تغییر نام دادند. آنگاه پیامبر برای پیشگیری و دوری از تفرقه، میان مهاجران و انصار که حدود سیصد نفر بودند، دو به دو عقد اخوت و برادری جاری کردند و مسجد قبا را پایه گذاری و بنا کردند.



مهاجران کسانی هستند که در مکه به پیامبر ایمان آوردند و چون آنجا تحت فشار بودند، خانه و کاشانه خود را رها کرده به همراه پیامبر به مدینه هجرت کردند و انصار، مسلمانان مدینه هستند که پیامبر اسلام و مهاجرین را در بین خود جای داده و یاری نمودند.

معمولا ملت‌ها، بزرگترین و مهم‌ترین حادثه‌ای را که در حیات اجتماعی، علمی و مذهبی آنان رخ داده و آن را نقطه‌ی عطفی در سرگذشت ملی خود می‌دانند، مبدا تاریخ خود قرار داده‌اند، مثلا میلاد حضرت مسیح نزد مسیحیان و یا عام الفیل (سالی که سپاه ابرهه به مکه حمله کرد و نابود شد) نزد اعراب، مبدا سال قرار گرفت.

از آنجا که دین اسلام کاملترین شریعت آسمانی است و در عین حال از ادیان دیگر مستقل است، لذا مسلمانان میلاد حضرت مسیح را مبنای سال خود قرار ندادند، هم‌چنین عام الفیل گر چه سال تولد پیامبر نیز بود، و یا حتی روز بعثت پیامبر اگر، مبنای سال قرار نگرفت، اما با هجرت پیامبر به مدینه که حکومتی مستقل در آنجا پایه‌گذاری شد و مسلمانان توانستند در نقطه‌ای آزادانه فعالیت کنند، پیامبر شخصا تاریخ هجری را بنا گذارد. چنانکه می‌توان از عبارت «من اوّل یوم»، در آیه «المسجد اسس علی التقوی من اوّل یوم أحق ان تقوم فیه» که در مورد ساختن مسجد قبا می‌باشد نیز پایه‌گذاری سال هجری را استفاده نمود، زیرا اولین اقدام پیامبر در هجرت به مدینه ساختن مسجد قبا می‌باشد. آری اگر هجرت نبود، چه بسا اسلام در همان نقطه محدود و نابود می‌شد.

البته در صدر اسلام، دو هجرت رخ داده است: یکی در سال پنجم بعثت، هجرت گروهی از مسلمانان به سرزمین حبشه و دیگری در سال سیزدهم بعثت، هجرت از مکه به مدینه.

آثار و برکات هجرت

بیشتر بلاهای ما از غرق شدن در رفاه و ترک هجرت‌های سازنده سرچشمه می‌گیرد. اگر همه‌ی مغزها و متخصصان و کارشناسان مسلمانی که در کشورهای غربی به سر می‌برند، به کشور خود هجرت کنند، هم ضربه به دشمن وارد ساخته است و هم موجب تقویت اسلام و کشورهای اسلامی می‌شوند.

هجرت، اختصاص به پیامبر اکرم ندارد، بلکه هجرت از محیط شرک، کفر و گناه، برای حفظ دین و ایمان ویا برای برگشت از نافرمانی خدا لازم است، چنانکه خداوند در پاسخ کسانی که عذرآلودگی خود و ارتکاب به گناه را محیط ناسالم می‌دانستند و می‌گفتند: «کنا مستضعفین فی الارض» می‌فرماید: زمین خداوند که پهناور بود، چرا به مکانی دیگر هجرت نکردید؟ «قالوا ألم تکن أرض الله واسعه» البته با توجه به عبارت «مستضعفین»، معلوم می‌شود که اگر توانایی امر به معروف و نهی از منکر باشد، باید به این مهم اقدام نمود و جامعه را ترک نکرد و آن را مورد اصلاح قرار داد.

امام صادق می‌فرماید: هنگامی که در سرزمینی که در آن زندگی می‌کنی نافرمانی و معصیت خدا می‌کنند، از آنجا به جایی دیگر هجرت کن. «إذا عصی الله فی أرض أنت فیها فاخرج منها الی غیرها»

چنانکه هجرت برای آموختن علم و دانش و هجرت برای بیان آموخته‌های خود به دیگران نیز لازم است.

